

عنوان مقاله:

بررسی خاستگاه ادبیات مقاومت

محل انتشار:

ششمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 5

نویسنده:

مهدی عباس صداقت - دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی پردیس شهید رجایی ارومیه

خلاصه مقاله:

ادبیات مقاومت، شاخه ای از درخت تنومند ادبیات انقلاب اسلامی است. به همین سبب نوع مستقلی از انواع ادبی شمرده نمی شود بلکه می تواند زیر مجموعه هر یک از انواع ادبی باشد؛ یعنی، همانگونه که شعر انقلاب، رمان انقلاب، اسطوره انقلاب اسلامی داریم، شعر، رمان، قصه، اسطوره و... مقاومت نیز می توان داشت. آثار ادبی و هنری، فرآورده های ذهنی و روحی آدمیان هستند و از آنجا که انسان بنا بر سرشت و سرنوشت خویش موجودی آموزشی و اجتماعی است، خواه ناخواه تمام یا بعضی از تاثیرات تربیتی و زیست محیطی خود را در آثارش بروز و ظهور می بخشد. در میان افراد عادی نوع رفتارها و کنش ها و واکنش ها و برخوردهای اجتماعی ناشی از این ویژگی می باشد و در میان ادیبان و شاعران و هنروران به گونه ای پیچیده تر در تصاویر هنری و ساز و سامان اندیشه و قلم، جلوه گر می شود. بنابراین رابطه مقاومت و هنر و ادبیات و جامعه، رابطه ای اجتناب ناپذیر و قطعی است. پس می توان اساس بسیاری از مفاهیم یا خلاقیت های هنری و ادبی را در بطن و متن جامعه جستجو نمود. ادبیات مقاومت درخت تناوری است که در دامن فرهنگی انقلاب اسلامی روئیده است. بدیهی است که شناخت ریشه های آن بر معرفت ما نسبت به شاخ و برگهای آن خواهد افزود. در این مقاله مختصر بر آنیم تا با تکیه بر اقوال و دستاوردهای اصحاب فن به بررسی این روابط بپردازیم و از زوایای گوناگون آن را برانداز نماییم.

کلمات کلیدی:

ادبیات مقاومت، جامعه شناسی، انقلاب اسلامی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1732822>

